

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

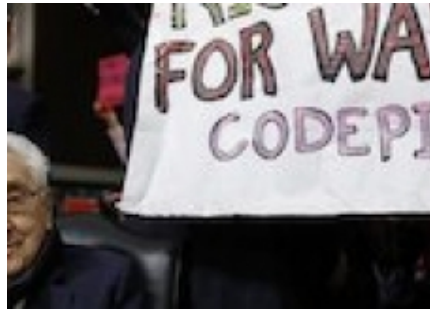
Political

سیاسی

برگرفته از: سایت روسی «بنیاد فرهنگ ستراتیژیک»*
نویسنده: والننتین کاتاسانوف
برگردان: ک. رادین
۰۳ فبروری ۲۰۲۳

نیم سده دالر نفتی ستندرد

کیسینجر و دالرنفتی - ماجرای یک دسیسه



بنیادهای سیستم ارزی و مالی جهان پس از جنگ در کنفرانس بین‌المللی «برتون وودز» (ایالات متحده آمریکا) در سال ۱۹۴۴ گذاشته شدند. چهل و چهار کشور به لایحه پیشنهادی ستندرد دالر طلای آمریکا رأی دادند. ارز جهانی برای محاسبات بین‌المللی در بازرگانی و سرمایه‌گذاری و انباشت ذخایر رسمی، دالر آمریکا تعیین شد. واشنگتن قدرت پولی کشورهای دیگر را برای مبادله آزاد دالر با طلا از ذخایر خزانه‌داری آمریکا تضمین کرد. در آن روزها، دالر هم با انبوه کالاهایی که توسط اقتصاد آمریکا تولید می‌شد و هم با ذخایر طلای آن، تأمین شده بود. ستندرد دالر طلا کمتر از دو دهه دوام آورد. ذخایر طلای آمریکا ناپدید شد و متقاضیان مبادله «کاغذ سبز» با فلز زرد بیشتر شدند. آخرین کسی که موفق شد طلای آمریکایی را در مقابل دالر به چنگ آورد، رئیس‌جمهور فرانسه «شارل دوگل» بود. این امر در سال ۱۹۶۵ وجود داشت. پس از این مسأله آخرین صفحه تاریخ ستندرد دالر طلا علنی و آشکار شد. در ۱۵ اگست ۱۹۷۱، خزانه‌داری آمریکا سرانجام «وینترین و پنجره طلایی» را محکم بست و رسماً پایان مبادله دالر با طلا را اعلام کرد. اما در سال ۱۹۷۳ صندوق بین‌المللی پول تصمیم گرفت که از نرخ‌های ارز تعیین‌شده و برابری دالر طلای آمریکا چشم‌پوشی کند.

در عمل ستندرد دالر طلا به موجودیت خود پایان داد و جایگزین این ستندرد مبهم بود. پاریس پیشنهاد بازنگری اساسی بهای رسمی طلا (یا برابری طلا) را داد و آن را سه برابر برای نمونه تا سطح ۱۰۰ دالر در هر اونس تروی [اونس تروا (تروی) برای اندازه‌گیری وزن فلز گران بها کاربرد دارد. ۳۲/۱۵ اونس تروا برابر با یک کیلوگرم است.

مترجم] افزایش دهد. کسان دیگری یادآوردی کردند که در کنفرانس ارزی - مالی سال ۱۹۴۴، رئیس هیأت بریتانیایی، «جان مینارد کینز»، واحد پولی فراملی «بنکور» (بنکور ارز فراملی بود که «جان مینارد کینز» و «ای. اف. ب. شوماخر» در سال های ۱۹۴۲ - ۱۹۴۰ مفهومسازی کردند و بریتانیا پیشنهاد کرد که پس از جنگ جهانی دوم معرفی شود. مترجم) را که از یک اتاق تهاتری بین المللی الگو گرفته شده بود به عنوان ارز جهانی پیشنهاد کرد. در آن زمان گزینه انگلیسی اش رد شده بود، ولی اکنون به یاد آن افتاده اند. به نظر می آمد که آن پذیرفته خواهد شد. باز در اوایل سال ۱۹۴۸، کشورهای عضو صندوق بین المللی پول شروع به ترخیص به اصطلاح حق برداشت ویژه کردند. انتشار نخستین بخش حق برداشت ویژه را در جنوری ۱۹۴۹ به عمل آوردند. حق برداشت ویژه - پیش الگوی پول فراملی است که «کینز» درباره آن صحبت کرده بود. بسیاری مطمئن بودند که در سال های دهه ۱۹۷۰ انتشار قدرتمند حق برداشت ویژه آغاز خواهد شد که «طلای کاغذی» نامیده شدند. با این وجود، در اوایل سال های دهه ۱۹۷۰، حجم کل حق برداشت ویژه منتشر شده بسیار ناچیز و کوچک بود. معلوم می شود که صاحبان پول (سهامداران عمده فدرال رزرو ایالات متحده امریکا) روی گزینه دیگری مطالعه و کار کرده اند. در ماه مه ۱۹۷۳، در سویدن، در شهر «سلتسویدن»، جلسه باشگاه «بیلدبرگ» برگزار شد. اکثریت ۸۴ حاضران را دنیای مالی و بانکی و جهان نفت نمایندگی می کردند. بزرگترین شخصیت این اجلاس «دیوید راکفلر» از بانک «چیس منهن» بود. همچنین «رابرت اندرسون» («آتلانتیک ریچفیلد اویل»); «لرد گرین هیل» («بریتیش پترولیوم»); «سر اریک رول»؛ (اس.جی. واربورگ""); «جورج بال» («لمان برادرز»); «والتر لوی» ("نفت ستندرد") در این جلسه حضور داشتند. «زیگنیو برژینسکی» نیز در این جلسه شرکت داشت.

برنامه کار جلسه باشگاه «بیلدبرگ» در سال ۱۹۷۳، آنطور که «ویلیام اف. انگدال» اشاره می کند، توسط سیاستمدار کارآزموده و با سابقه امریکائی «رابرت دی. مورفی» تهیه شده بود، که در سال ۱۹۲۲، کنسول ایالات متحده امریکا در مونیخ بود و به «آدولف هیتلر» کمتر شناخته شده توجه داشت و به وزارت امور خارجه امریکا پیام هایی با توصیه توجه به این سیاستمدار خوش آتیه می فرستاد. سخنران اصلی امریکائی در «سلتسویدن»، «والتر لوی»، یکی از دست نشانده های «دیوید راکفلر» بود. اصل سخنان او در این بود که افزایش بهای نفت در آینده نزدیک اجتنابناپذیر است. برای رهبران تجارت جهانی نفت و بانک، جهت گیری های کلیدی تدوین شده بودند: نخست، آماده شدن برای افزایش شدید و قریب الوقوع درآمدهای نفتی، جابه جایی و پخش «درست» آنها. دوم، آماده شدن برای دریافت درآمدهای نفتی و پخش منظم این درآمدها به صورت وامها در اقتصاد جهانی. اما پائیز سال ۱۹۷۳، به اصطلاح بحران انرژی با قدرت ظاهر شد. این بحران به دست انسان ساخته شده بود. گروه «راکفلر» طی چند ماه موفق به تحریک افزایش چهار برابری قیمت نفت شد. شخصیت اصلی این دسیسه «هنری کیسینجر»، یکی از دست نشانده های قبیله «راکفلر» بود که مقام وزیر امور خارجه و مشاور رئیس جمهور در زمینه امنیت ملی را به عهده داشت. «کیسینجر» ماهرانه نمایش «جنگ اعراب و اسرائیل» را تدارک دید و اجراء کرد. او همانند یک پروکاتور حرفه ای عمل کرد و در ۶ اکتوبر ۱۹۷۳ مصر و سوریه را وادار به تجاوز به اسرائیل کرد. جنگی محشر و آخرالزمانی در گرفت که موجب افزایش شوک قیمت نفت شد که توسط «بیلدبرگرها» برنامه ریزی شده بود. به طور رسمی، آن موجب تحریم نفتی شد که صادرکنندگان نفت نسبت به ایالات متحده امریکا و برخی از کشورهای اروپای غربی (پیش از همه هالند) به عنوان ایادی و دستیاران اسرائیل اجراء کردند. در ۱۶ اکتوبر ۱۹۷۳، کشورهای اوپک در جلسه ای در وین اعلام کردند که بهای طلای سیاه را از ۳/۰۱ دلار به ۵/۱۱ دلار در هر بشکه بالا خواهند برد. این امر به معنای افزایش فوری قیمت تا ۷۰ درصد بود - افزایش بی سابقه یکباره در طول حیات بازار نفت.

علاوه بر این، عربستان سعودی، کویت، عراق، لیبیا، ابوظبی، قطر و الجزایر روز بعد اعلام کردند که آنها استخراج نفت را در ماه اکتوبر نسبت به سپتمبر تا ۵ درصد پائین خواهند آورد. و سپس هر ماه تا ۵ درصد آن را خواهند کاست. این کاهش تنها زمانی پایان می یابد که اسرائیل سرزمین‌های اشغالی را خالی کند. قیمت نفت تا پایان سال چهار برابر افزایش یافت! سپس در سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ «کیسینجر» یک سری مذاکرات با رهبران کشورهای اوپک در مورد موضوع پرداختن کامل تصفیه حساب‌های نفت به دالر را انجام داد که امکان حفظ سطح بالای تقاضا برای محصولات کاغذی چاپخانه فدرال رزرو ایالات متحده آمریکا را فراهم می‌کرد. اولین کشور در این فهرست عربستان سعودی بود. تاریخ روابط آمریکا و عربستان سعودی در دوران جنگ جهانی دوم آغاز شد. در فبروری ۱۹۴۵، «اف. روزولت»، ضمن بازگشت از کنفرانس «یالتا» در داخل رزمنو امریکائی «کوینسی» با پادشاه عربستان ملاقات کرد. از سوی «ریاض» ضمانت‌هائی مبنی بر دسترسی شرکت‌های امریکائی به ثروت نفتی عربستان سعودی دریافت شد و پادشاه سعودی اطمینان لازم در مورد پشتیبانی ویژه از طرف واشنگتن را گرفت. به طوری که واشنگتن لندن را از قلمرو نفوذ سنتی آن بیرون آورد. کیسینجر موفق شد پادشاه عربستان را متقاعد سازد به این که واشنگتن می تواند سخاوتمندانه به خاطر توافق ۱۰۰ درصدی استفاده از نفت «سبز» در تجارت از ریاض تشکر کند.

نخست این که واشنگتن تسلیحات ریاض را تأمین خواهد کرد. دوم، واشنگتن تضمین می‌کند که اسرائیل از افزایش نفوذ سعودی ها در منطقه ممانعت نخواهد کرد. سپس وزیر امور خارجه امریکا موفق شد همه رهبران کشورهای اوپک را در ضرورت پیوستن به استفاده از منحصراً دالر متقاعد کند. همزمان، «کیسینجر» رهبران این کشورها را قانع کرد که دالرهائی دریافتی خود را به بانک‌های غربی، مقدم بر همه امریکائی بفرستند :

بانک‌ها به آن کشورهائی که در آنها ارز «سبز» به قدر کافی برای واردات نفت ندارند، وام خواهند داد، که مستقیماً به نفع صادرکنندگان آن خواهد بود. همینطور در اواسط سال‌های دهه ۱۹۷۰ دالر نفتی زاده شد. پدر آن «هنری کیسینجر» است که تا به امروز زنده است (۲۷ مه ۲۰۲۳ او می باید ۱۰۰ سال داشته باشد). و در جنوری ۱۹۷۶، در کنفرانس بین‌المللی ارزی - مالی در کینگستون (جامائیکا)، کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول تصمیم گرفتند ستندرد دالر طلا را لغو کنند و آن را با دالر کاغذی جایگزین کنند. طلا از دنیای پول طرد شد و دالر به یک انحصار مطلق در سیستم ارزی و مالی بین‌المللی تبدیل شد. کنفرانس جامائیکا نه یک ستندرد دالر کاغذی، بلکه ستندرد دالر نفتی را تصویب کرد. رویدادهای فاجعه‌آمیزی در جهان امروز رُخ می‌دهد. سیستم ارزی - مالی جامائیکا در حال گذار از یک بحران جدی است. دالر امریکا گیرائی خود را حتی برای کشورهائی که متحد واشنگتن به حساب می‌آیند، از دست می‌دهد. عربستان سعودی، امروز نه فردا، عرضه نفت به یوان چین را آغاز خواهد کرد. شکاف خطرناکی در ساختار سیستم جامائیکا در شرف تکوین است و فکر می‌کنم تدارک جایگزینی آن در پشت صحنه با کمال قدرت در جریان است.

* <https://www.fondsk.ru/news/2023/01/06/polveka-neftedollarovogo-standarta-5151.html>